



## موضوع تحقیق:

نگاهی به دو رذیله اخلاقی (غیبت و ریا) از دیدگاه قرآن و روایات

## استاد مربوطه:

سرکار خانم مریم مقتدایی

## درس:

تحقیق ۲

## تهیه کننده:

ماه منیر بیزری

بهار ۱۳۹۴

## چکیده

نوشته‌ای که در پیش رو دارید در صدد آن است که کژراهه‌ها، چاله‌ها، و انحراف‌های اخلاقی را ترسیم کند تا مخاطب و خواننده با نگاه به آن تابلوهای مسیر تکامل انسانی را به شایستگی و سلامت ببیند و در بزرگرایی که پیامبران الهی و پیشوایان معصوم آن را هموار ساختند، با رهبری آنان رهزنان را نیز بشناسد و با رعایت همه سویه و با احتیاط کامل از میدان‌های گناه عبور نماید.

لذا در این مقاله به بررسی دو رذیله اخلاقی می‌پردازیم:

ریا که از بدترین رذایل اخلاقی و عامل تباه کننده همه اعمال است و غیبت که یکی از زشت‌ترین گناهان است و موجب تباه شدن اعمال نیک می‌شود.

هدف از این مقاله آشنایی با معنای ریا، آثار سوء ریا، درجات و مراتب ریا، نشانه‌های ریاکار، راه‌هایی از ریا و رسیدن به اخلاص و همچنین معنای غیبت، حرمت شدید آن و آثار زیانباری که غیبت در تباه کردن حسنات انسان دارد و ایجاد بدبینی و اختلاف در روابط اجتماعی دارد، حرمت شنیدن غیبت، جواز غیبت و علاج این رذیله اخلاقی و برخی عناوین دیگر است.

## ضرورت اهمیت

انگیزه‌ای که سبب شد این دو رذیله اخلاقی را به عنوان موضوع تحقیق برگزینم این بود که مورد شدت و مدت گناه این دو رذیله در بعضی از آیات و روایات، دیده و شنیده بودم اما به محدوده گناه آنها آگاهی کامل نداشتم که چه سخنانی یا اعمالی در دایره این دو رذیله قرار می‌گیرد. لذا امیدوارم با مطالعه این تحقیق توانسته باشم تا حدودی اطلاعات لازم را به خود و مخاطبین بدهم که در هنگام مواجهه با این دو رذیله، در عمل حساس‌تر و دقیق‌تر برخورد نمایم تا خدای ناکرده دچار خسران دنیا و آخرت (حبط اعمال) نشویم.

## مقدمه

یکی از موضوعاتی که انسان ناخودآگاه به سوی آن کشیده می‌شود بحث از تهذیب نفس و پاکسازی وجود از صفات ناپسند است که انسان به همان اندازه که از فکر داشتن خُلقیات و صفات پسندیده لذت می‌برد، از ترک صفات زشت که در درون او ریشه زده و آثارشان در کردار و رفتارشان ظاهر گردیده ناخشنود بلکه هراسان است. و به همین دلیل است که وارستگان از صفات حیوانی بسیار اندک و بازماندگان در ورطه هواهای نفسانی بسیارند. این دوگانگی به این دلیل است که رهایی از خُلق و خویی که انسان به آن عادت کرده بسیار مشکل بوده و جز با تلاش پیگیر و مداوم در طول سالیان متمادی امکان پذیر نیست.

در این مقاله سعی بر آن دارم که به دو نمونه از خُلقیات ناپسند و مشخصات و مراتب و راه علاج آنها بپردازم تا هم به سؤالات خود جواب دهم و هم دیگران را از این صفات رذیله آگاه سازم. باشد تا با پرهیز از این صفات، مورد رضای خداوند متعال قرار گیریم؛ به شرط عمل ان شاء الله.

در پایان از همراهی استاد گرامی سرکار خانم مقتدایی کمال تشکر را دارم.

## فهرست

| عنوان                             | صفحه |
|-----------------------------------|------|
| فصل اول (غیبت)                    | ۱    |
| ۱- معنای غیبت                     | ۱    |
| ۲- تعریف غیبت                     | ۱    |
| ۳- حرمت غیبت                      | ۱    |
| ۴- نگرشی به غیبت از دیدگاه قرآن   | ۳    |
| ۵- مذمت و نکوهش غیبت              | ۶    |
| ۶- معنی و حدود غیبت               | ۷    |
| ۷- علل و اسباب غیبت               | ۸    |
| ۸- شمارش یا مثل پیدا کردن         | ۹    |
| ۹- پیشگیری                        | ۹    |
| ۱۰- تبرئه نفس                     | ۹    |
| ۱۱- اظهار برتری                   | ۹    |
| ۱۲- حسد                           | ۹    |
| ۱۳- شوخی و بذله گویی              | ۹    |
| ۱۴- مسخره و استهزا به منظور تحقیر | ۱۰   |
| ۱۵- تعجب از فحشاء و منکر          | ۱۰   |
| ۱۶- رحمت و شفقت                   | ۱۰   |
| ۱۷- غضب به خاطر خدا               | ۱۰   |
| ۱۸- درمان مرض غیبت                | ۱۰   |

|    |                                           |
|----|-------------------------------------------|
| ۱۲ | ۱۹-عذرهای که موجب تجویز غیبت می‌شوند      |
| ۱۵ | ۲۰-کفار غیبت                              |
| ۱۷ | ۲۱-استماع غیبت                            |
| ۱۹ | <b>فصل دوم (ریا)</b>                      |
| ۱۹ | ۱-حقیقت ریا/فرق بین ریا و سُمعه/اقسام ریا |
| ۱۹ | ۲-تعریف ریا                               |
| ۱۹ | ۳-نگرشی به ریا از دیدگاه قرآن             |
| ۲۱ | ۴-اقسام ریا                               |
| ۲۳ | ۵-درجات ریا                               |
| ۲۶ | ۶-تقسیم ریا                               |
| ۳۰ | ۷-تقسیمی دیگر از ریا                      |
| ۳۰ | ۸-علّت ریا و راه معالجه آن                |
| ۳۲ | ۹-حدیث علوی                               |
| ۳۴ | <b>منابع</b>                              |

## ۷. تقسیمی دیگر از ریا

گاهی ریا در غیر عبادات واقع می‌شود.

این گونه ریا گاهی واجب و گاهی مستحب است زیرا بر مؤمن واجب است که آبروی خود را حفظ کند و کاری را که عیب او محسوب می‌شود انجام ندهد مثلاً برای جوانمردان سزاوار نیست که در معرض مشاهده دیگران مرتکب امور پست شوند اگر چه این کارها در خلوت برای آنان جایز باشد و لذا در شریعت مقدس اسلام دستور داده شده که انسان ظاهرش را تزئین کند، نعمت خدا را اظهار نماید، فقر خود را کتمان و اظهار غنی نماید.

در روایت است که روزی پیامبر اکرم(ص) برای رفتن بین اصحاب آماده می‌شد در همین حال در ظرف آبی می‌نگریست و عمامه و موهایش را صاف می‌کرد.

عرض کردند: یا رسول الله شما هم از این کارها می‌کنید؟

فرمود: بله خدا دوست دارد هنگامی که بنده‌ای نزد برادرانش می‌رود خود را برای آنها تزئین کند<sup>۱</sup>.

و امیرالمؤمنین(ع) فرمود: شما باید خود را برای برادر مسلمانان زینت دهید همانطور که برای غریبه‌ای که دوست دارید شما را در بهترین شکل ببیند زینت می‌دهید<sup>۲</sup>.  
و امام صادق(ع) می‌فرماید: لباس پاکیزه دشمن را خوار می‌کند<sup>۳</sup>.  
مواردی که ذکر شد همه از موارد ریای پسندیده است.

## ۸. علت ریا و راه معالجه آن

ریا در عبادات یا ناشی از این است که انسان همیشه دوست دارد از لذت ستایش برخوردار و از رنج نکوهش در امان باشد، یا مولود طمعی است که به مال مردم دارد.

<sup>۱</sup> - إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْعَبْدِ أَنْ يَتَزَيَّنَ لِإِخْوَانِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَيْهِمْ.

<sup>۲</sup> - لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يُرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ.

<sup>۳</sup> - الثُّوبُ النَّقِيُّ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ.

علاج ریا به این است که انسان مضرّات ریا را بشناسد و بداند که ریا چه مصالح باطنی را از او سلب می‌کند و چه محرومیت‌ها که در دنیا از توفیقات و در آخرت از قرب و منزلت نزد خدا برای او ببار می‌آورد و چه عقاب‌ها و خواری‌ها و غضب‌هایی نصیب او می‌کند و بداند که ریاکار به خسران دنیا و آخرت دچار می‌شود چون در دنیا به خاطر مراعات قلوب مردم همیشه خاطرش مشوّش است و رضایت مردم هرگز حاصل نمی‌شود زیرا هر چه گروهی را پسندیده آید گروهی دیگر را ناخوشایند است و همیشه رضایت بعضی از آنها در خشم بعضی دیگر نهفته است و هرکس رضایت آنها را با خشم خدا طلب کند خدا بر او خشم می‌گیرد و آنها را بر او خشنما می‌کند.

و بداند که تمام امور از جمله قلوب مردم در دست خداست و اوست که هرگونه بخواهد آنها را می‌گرداند.

پس هر کس بین خود و خدایش را اصلاح کند بین او و مردم را اصلاح می‌کند و هر کس خدایی را که تمام امور به دست اوست برای رضایت مردمی که نفع و ضرر، موت و حیات و نشر و حشر خود را مالک نیستند و به غضب آورد واقعاً سفیه و احمق است.

و چگونه طمع به اموال مردم باعث می‌شود انسان عملی انجام دهد در حالی که می‌داند خداست که قلوب را تسخیر می‌کند و به آنها اراده منع و بخشش می‌دهد.

وَمَهُمَا تَكُنْ عِنْدَ امْرِئٍ مِنْ خَلِيقِهِ وَ اِنْ خَالِهَا تَخْفَى عَلَى النَّاسِ تَعْلَمُ

و هر گاه انسانی دارای خصلتی باشد آشکار می‌شود اگر چه خیال کند از نظر مردم مخفی است و چه بسا خدا خبائث درونش را برای مردم آشکار کند و آنها هم از او بیزار شوند و بر او خشم گیرند و دچار خسران دنیا و آخرت شود همانطور که در روز محشر در محضر تمام خلائق رازش فاش خواهد شد.

ولی اگر عملش را برای خدا خالص کند اخلاصش را برای مردم آشکار می‌کند و او را محبوب همه می‌گرداند و دیگران را مسخّر او کرده زبانشان را به حمد و ثنایش می‌گشاید.

اینها همه در حالی است که در مدح آنها کمالی و در مذمتشان نقصی نیست و اگر واقعاً انسان شوق ستایش دارد و از مذمت و نکوهش می‌هراسد و به مدح ملائکه مقربین و بالاتر مدح پروردگار عالم دل ببندد و از مذمت ملائکه و نکوهش پروردگار بترسد.

بعد از این که اینها را دانست خود را عادت دهد که عبادتش را پنهان کند و آنها را در محل در بسته انجام دهد همان گونه که کارهای زشت را پنهان می‌کند و به اطلاع خدا از عبادتش قانع باشد تا نفسش برای مطلع کردن دیگران با او منازعه نکند و چون مدتی بر این حال مواظبت کند برایش آسان خواهد شد. ولی باید از خدا کمک بخواهد و با نفس خود مجاهده کند که مجاهده بر عهده بنده و هدایت از خداست. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup>.

## ۹. حدیث علوی

در اصول کافی از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود:

«ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ لِلْمُرَائِي: يَنْشَطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ، وَ يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ»<sup>۲</sup>؛ ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که مردم را ببیند، نشاط دارد و وقتی تنهاست کسالت پیدا می‌کند و دوست دارد در همه کارهایش ستایش شود.

چون این گناه زشت چنان مخفی است که خود انسان بی‌خبر است، برای آن علامت ذکر فرموده‌اند، تا با این علامت انسان به درون خود آگاه شود و خویش را درمان کند. انسان وقتی تنهاست، مایه به طاعات نیست. اگر هم با زحمت و از روی عادت عبادتی کند، با حال نیست. ولی وقتی در مسجد و در حضور مردم انجام می‌دهد، با نشاط و سرور و حضور قلب انجام می‌دهد و دوست دارد رکوع و سجودش طولانی و مستحباتش نیکو و اجزا و شرایطش درست انجام شود. علت آن است که دام خود را از راه تقدس پهن کرده و این گونه وانمود می‌کند که چون در مسجد و به جماعت ثوابش بیش‌تر است نشاط می‌یابد، یا توجیه می‌کند که نیکو

<sup>۱</sup> - آنانکه در راه ما جهاد کنند ایشان را به راه خویش هدایت می‌کنیم و خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند (سوره عنکبوت، آیه ۶۹).

<sup>۲</sup> - کافی، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۸.



انجام دادن عمل پیش مردم مستحب است، تا دیگران هم شوق و انگیزه پیدا کنند و به او تأسّی جویند. این سرور و نشاط، ریشه در همان مرض قلبی یعنی «ریا» دارد و به آن مبتلاست، ولی خود را سالم می‌داند و به فکر معالجه نیست. مریضی که خود را سالم بداند، امید صحت و علاج به او نیست.

## منابع

- ❖ قرآن مجید
- ❖ تفسیر المیزان - آیت ا... محمد حسین طباطبائی
- ❖ معراج السعاده از ملا احمد نراقی
- ❖ اخلاق از سید عبدا... شُبر - ترجمه محمد جواد جباران - انتشارات هجرت - چاپ ششم - بهار ۱۳۸۰.
- ❖ بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی (ره) - جواد محدثی - مرکز نشر هاجر - چاپ دوم - بهار ۱۳۹۱.